**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**تببین مختار استاد بالخصوص در تنبیه اول انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و دوم\_8 اردیبهشت1399**

یک مطلب مهمی را در این جلسه عرض می کنم که هم تتمه ایی است برای تبیین مختار ما نسبت به تنبیه اول انسداد، هم مقدمۀ ایی باشد برای تبیین قول مختار در تنبیه دوم ان شاء الله. و آن مطلب این است که ما چند بار اشاره کرده ایم که بین مسلک مختار ما که مسلک اضطرار است با آن چه مرحوم محقق قمی قدس الله نفسه الزکیه و من تبعه دارند، شباهت هایی دارد اما مسلکی است مستقل.

آنچه عرض می کنم، تقریر مسلک اضطرار است به بیان خودمان، حال آیا شیخ انصاری هم قدس الله نفسه همین مرادش هست یا چیز دیگر، آن گذشت، آنچه اختیار ماست، این است که در زمان حاضر که زمان دوری ما از عصر صدور روایات است، و بین ما و منبع روایات واسطه ها خورده است، و مشکلاتی پدید آمده است که گفتیم مشکلات را، در عصر ما که ما از رسیدن به محضر مقدس حضرت دور هستیم، و نمی توانیم از آن منبع فیض مستقیم کسب فیض کنیم، از همۀ جوانب نسبت به امر دین، در اضطرار و بنبستیم اگر دسترسی به امام نبود، ولی تراث موجود، این مشکلاتی را که بیان کردیم نداشت، اضطرار هم به آن معنا نبود در استنباط حداقل، حال اجراء بماند، چون منابع استنباط به قدر کافی بود، امّا حال که نه منابع هست، و نه دسترسی به امام معصوم ارواحنا فداه هست پس دین نازل را فهمیدن به معنای کاملش و جامعش قطعا میسر نیست، لذا ما تعبیر می کنیم، این دو عامل، یعنی کمبود منبع، و نواقص موجوده در منابع، این یک. 2. عدم دسترسی به حضرت، این دو باعث شده است که ما در بنبست عجیبی گرفتار بیاییم؛ چون از یک سو نمی توانیم خود را بی تکلیف، بی وظیفه بدانیم برائتی شویم کلا، از یک سو نمی توانیم احتیاطی شویم که این ها گذشت، بناست استنباط ما با این دو عامل شدیدی که ما را در بن بست قرار داده است همراه باشد. پس:

1. با همین وضع موجود، فقد امام و کمبود منابع باید وارد وادی استنباط بشویم، الا و لا بد، چون نه برائتی می توانیم بشویم فی الکل و نه احتیاطی. نسبت به احکام دین هم که نمی شود خودمان را بدون تکلیف بدانیم باید وارد وادی استنباط بشویم. با این نواقصی که در متون هست و عدم دسترسی به وجود مقدس معصوم سلام الله علیه. این یک.
2. نباید در این استنباط، خود را نسبت به منبع و مدرک و مستند، یک مقداری آزاد ببینیم، اینجا است که یک کمی دارد فاصله ها بین انسداد و اضطرار آشکار می شود. حضرت میرزای قمی نوره الله مضجعه و من تبعه من الانسدادیین می گویند حال که مقدمات انسداد تمام شد، حجیت مطلق ظنون. حتی برخی از اساتید ما که برای ما انسداد می گفتند از قبل این طور تقریر می کردند که مهم حصول ظن است من ای سبب کان، خواب دیدی، بله آن سبب ممنوع نباشد، و الا اگر ممنوع بود کنار، غیر ممنوع اشکالی نداد هر سببی که می خواهد باشد، ظن است و حجت. این فرمایش میرزا است.

ما اضطراری که شده ایم از یک جنبه دیگر خودمان را باز در مضیقه بیشتری می بینیم و ان این است که می خواهیم مطلبی را به دین نسبت بدهیم، حجت باید داشته باشیم و قرآن و روایات به ما می گوید در انتساب یک مطلب به دین نمی توانید مسامحه کنید؛ لذا نمی گوییم مطلق ظنون حجت است، بلکه اولا می گوییم اطمینان حجت است که علم عادی و عرفی است و لو منطق بهش بگوید ظن، تا آن ظن منطقی به درجه اطمینان نرسیده است، حجت نیست، علم باشد، علم عادی باشد، نه علم فلسفی. باید با آن مخمصه ایی که داریم هم از جهت منبع هم جهت عدم دسترسی به محضر مقدس امام سلام الله علیه، باید بنبست را بشکنیم، اما مطمئنانه بشکنیم، نه هر ظنی با هر درجه ایی. ظن منطقی که علم عادی و عرفی باشد. این اولا.

ثانیا نه هر سببی که موجب ظن انسان باشد. اسبابی باشد که عقلا هم در این گونه موارد پذیرفته باشند، صرف عدم منع صریح شرع کافی نیست، باید در مرحله قبل سببی باشد که آن سبب را عقلا هم در فهم قوانینشان، در فهم گفتارهای بین خودشان در زندگی خودشان بکار می برند، عقلائی است، سبب هایی است که اطمینان آور است عند العقلا نه هر ظنی از هر راهی و از هر سببی و لذا اینجا سخن از تجمیع قرائن و شواهد به میان آوردیم. گفتیم باید در این عصر وانفسا از هیچ نگذشت ولی زود هم به نتیجه نرسید، حتی نمره های کم را باید گرفت، بله گفتیم روایاتی که یقینا مجعول است از دور خارج شد، اما روایاتی که و لو ضعیفة السند باشد اما یقین به کذبش نداریم هم در عملیات تجمیع قرائن مورد استفاده است لذا ان ها را می آوریم و ازش بهره میگیریم، از هیچ چیز نمی گذریم تا در این بن بست، به یک اطمینانی که ویژه حال بنبست باشد برسیم تا بن بست را بشکنیم، اضطرارا خروج اضطراری پیدا کنیم، چون اطمینان ها برای انسان در حالات مختلف متفاوت است، در شرایط غیر اضطراری ما نیازی نداریم به روایاتی که یک نمره بسیار کمی دارد خب وقتی یا مشکل رجال نداشته باشیم، در انسداد صغیر رجال، یا نه مشکلات دیگر را حل کرده باشیم در روایات معتبره، نیازی به این ها نداریم می گوییم حداکثر تایید. اما حال نه دیگر، حال دنبال اطمینان در حال اضطرار هستیم نه هر اطمینانی. باز اگر دسترسی به امام بود و این همه وسائط و واسطه های نبود باز اطمینان خیلی راحت از راه های دیگر می شد بدست بیاید، نیازی نداشتیم سراغ این روایات و قرائن و شواهدی مثل شهرت و روایت مرسله و روایت ضعیفه برویم، اصلا نیازی به این ها نداشتیم، الان است که دست ما کمتر به ان منابع متقن می رسد و دست ما از محضر مقدسش کوتاه است نیازمند این ها شدیم. پس لهاذا اطمینان می خواهیم برای شکستن بن بست اما نه هر اطمینانی از هر راهی بلکه از راه های عقلائی. اطمینان شخصی برای یک مجتهد متعادل در حصول اطمینان نه وسواسی و نه زود باور، باید پیدا بشود، تا با حجت فتوا بدهد، یصح الاحتجاج به علی المولی.

من اولا راه عقلائی را انتخاب کردم نه هر راهی را. ثانیا این راه را که تجمیع قرائن بود عقلاءً، آن قدر ادامه دادم که خودم هم به اطمینان رسیدم در اثر این تجمیع قرائن، من که نه زود باورم و نه دیر باور، عادیم متعادل. این می شود یصح الاحتجاج لذا جلسۀ گذشته عرض کردم اگر اطمینان بیاید، -این ارتباطش با جلسه قبل است- ولی بدون سبب، نه، بدون طریق نه. یا طریق آمد ولی برای من اطمینان پیدا نشد، بازم نه.

چه می خواهم بگویم؟ می خواهم عرض کنم در زمان ما که هم مشکل منبع داریم و هم مشکل عدم دسترسی به امام تنها راه حصول اطمینان شخصی مجتهد است از راه های اطمینان آور نوعی. تکرار می کنم، حصول اطمینان شخصی از راه های اطمینان آور نوعی. این چرا می گویم؟ چون افراد اولا فرق می کند در عملیات تجمیع قرائن، بعضی ها با دو تا رای این ها زود اطمینان پیدا می کنند، بعضی ها هزار تا قرینه هم بریزید این ها اطمینان پیدا نمی کنند، ما هیچ کدام از اینها را نمی گوییم، می گوییم افراد متعادل، در یک جمع بندی متعادل، عرفی که به نتیجه می رسد برای شخص من اطمینان حاصل بشود آن وقت یصح الاحتجاج به علی المولا.

این تازه مال مرحله استنباط است بحث اجرا که خودش داستان مستقلی دارد، یک اشاراتی هم قبلا داشتیم، خب این شد یک تتمه ایی برای همه مباحث گذشته از جمله تنبیه اول، تا ما خوب بین این مبنای جدا کنیم و یک مقدمه ایی هم شد برای مطلبی که از فردا ان شاء الله شروع می کنیم و مطلب مهمی است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.